

## **Critical Analysis of Gertrude Bell's the Desert and the Sown Based on Edward Said's s Orientalism Theory**

**Dr. Mohammad Amin Mozaheb <sup>1</sup>**

### **Abstract**

Gertrude Bell, a British tourist, diplomat, and travel writer, spent many years of her life in the Middle Eastern countries such as Iran, Saudi Arabia, Syria, Jordan and Palestine. Not only was she a literary figure, for writing several travelogues and translating selected sonnets of Hafiz into English, but also her writings served as a cover and excuse for further activities in favor of the British government. In this regard, her travelogue *The Desert and the Sown* (1907) is of importance. Not only did this travelogue become very popular in Europe, but also it can be argued that it guaranteed the situation of the occupation of Palestine and the British imperialist and interventionist policies in the coming decades of the twentieth century in the Middle East. Therefore, this study examines and analyzes the aforementioned travelogue through Edward Said's theory of Orientalism and new historicist practice in order to analyze and evaluate its Oriental discourse which consists of otherization of Arabs and cultural superiority of the Westerners over the Easterners. According to the Edward Said's orientalism critical perspective we conclude that Bell was not neutral when she faces with middle east and eastern culture. As a result, it seems that she was a political woman more than a sole writer and she tries to colonize the eastern countries.

**Keywords:** Gertrude Bell, Orientalism, Domination Discourse, Otherization, Edward Said

---

<sup>1</sup>. Assistant Professor in English Language.- Foreign Languages Center - Imam Sadegh (AS) University, Tehran, Iran. mail.mozaheb@gmail.com

Date of receipt: 2021-01-03, Date of acceptance:2021-02-24

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

## تحلیل انتقادی سفرنامه بیابان و کشتزار اثر گرتروود بل بر اساس نظریه‌ی شرق‌شناسی ادوارد سعید (مقاله پژوهشی)

دکتر محمدامین مذهب\*

### چکیده

گرتروود بل، جهانگرد و سفرنامه‌نویس انگلیسی، سال‌های زیادی از عمر خود را در خاورمیانه و در کشورهای مختلفی همچون ایران، عربستان، سوریه، اردن و فلسطین سپری کرد. وی به علت نگارش چندین سفرنامه و ترجمه گزیده غزلیات حافظ به زبان انگلیسی نه تنها چهره‌ای ادبی بود، بلکه نوشتارهای او پوشش و بهانه‌ای برای پیشبرد فعالیت‌هایی به نفع دولت بریتانیا محسوب می‌شوند. در این میان، سفرنامه *بیابان و کشتزار* (۱۹۰۷) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این سفرنامه نه تنها در اروپا به محبوبیت دست یافت، بلکه می‌توان ادعا کرد که زمینه‌ی اشغال فلسطین و سیاست‌های امپریالیستی و مداخله‌جویانه‌ی بریتانیا در دهه‌های بعدی قرن بیستم در خاورمیانه را تضمین کرد. بنابراین، مطالعه حاضر به بررسی و تحلیل سفرنامه پیش‌گفته می‌پردازد و با استفاده از خوانش تاریخ‌باوری نوین و نظریه‌ی شرق‌شناسی ادوارد سعید، خوانشی شرق‌شناسانه از سفرنامه‌ی بل ارائه می‌دهد تا گفتمان شرق‌شناسی اثر، که فرآیند دیگری‌سازی اعراب و برتری فرهنگی غربی‌ها بر شرقی‌ها را دربرمی‌گیرد، مورد واکاوی و ارزیابی نقادانه قرار گیرد. بر اساس مفهوم شرق‌شناسی ادوارد سعید می‌توان نتیجه گرفت که گرتروود بل در مواجهه با فرهنگ و اهالی شرق به خصوص منطقه خاورمیانه بی‌طرف نبوده و صادقانه به روایت ماجرا پرداخته است و نشان می‌دهد او بیشتر به عنوان یک فعال سیاسی در حوزه شرق و کشورهای خاورمیانه برای زیر سلطه بردن کشورهای مشرق زمین زیر سلطه غرب فعالیت می‌کرده است.

\* استادیار زبان انگلیسی، مرکز زبان‌های خارجی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

mail.mozaheb@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۶

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

تحلیل انتقادی سفرنامه بیابان و کشتزار اثر گرتروید بل بر اساس نظریه‌ی شرق‌شناسی ...، مذهب ۲۹۹

واژه‌های کلیدی: گرتروید بل، شرق‌شناسی، خاورمیانه، گفتمان سلطه، ادوارد سعید.

## ۱. مقدمه و بیان مسأله پژوهش

گرتروید مارگارت بل (Gertrude Margaret Bell) (۱۸۶۸-۱۹۲۶) جهانگرد، سیاح و نویسنده‌ی زن بریتانیایی معروف به ملکه‌ی صحرا، به دلیل فعالیت‌ها و اقداماتی که برای دولت بریتانیا انجام داده بود، توانست نشان رتبه‌ی امپراتوری این کشور را در سال ۱۹۱۷ به دست آورد. پیرامون زندگی و فعالیت‌های او در خاورمیانه، ابهاماتی وجود دارد. به باور برخی، او جاسوس دولت بریتانیا بوده است مانند: سوزان گودمن (Susan Goodman) در کتاب زندگی‌نامه‌ی بل در سال ۱۹۸۵ از اقدامات جاسوسی بل می‌گوید (Goodman, 1985: 27). برخی دیگر، همچون لوکیتس (Lukitz) از «خدمت» بل به دولت وقت بریتانیا گفته است و اشاره‌ای به نام جاسوس برای تعبیر بل استفاده نکرده است (Lukitz, 2006: 2). به هر حال، سفرهای بل به سرزمین‌هایی در خاورمیانه، ایران، عراق، سوریه و اردن، او را به یک تحلیل‌گر سیاسی و لجستیک در منطقه تبدیل کرده بود. وی به موازات لورنس عربستان که بیشتر در جنوب خاورمیانه و عربستان فعالیت می‌کرد، در طرح کشورسازی بریتانیا در خاورمیانه مشارکت کرد و قبایل عرب را به تضعیف امپراتوری عثمانی ترغیب و متحد می‌کرد (Emberley, 2007: 120). در واقع، این برنامه‌ی مخفی و بزرگ دولت بریتانیا علیه ترکان عثمانی بود که اقتدار آن امپراتوری را با تجزیه شدن به کشورهای مختلف از میان بردارد. همچنین، فیلدهاوس اعلام می‌کند که اقدامات متعدد بریتانیا و فرانسه در راستای کوچک‌سازی عثمانی، طرح کشورسازی اعراب در ابتدای قرن بیستم، در نهایت به تضعیف و سپس فروپاشی عثمانی پس از جنگ جهانی اول منجر شد (Fieldhouse, 2006: 4-5). بل نخستین بار سفرش به ایران را در اواخر حکومت ناصرالدین شاه قاجار تجربه کرد، به دیگر سرزمین‌های در خاورمیانه رفت و در قالب یک جهانگرد و سیاح، در اصل، به فعالیت‌هایی به نفع دولت بریتانیا پرداخت. بریتانیایی که، طبق اظهار کین و هاپکینز در آغاز قرن بیستم، به‌خصوص پس از جنگ جهانی اول، با روند استعمارزدایی مواجه شده بود و اعتراض در بیشتر مستعمره‌های آن کشور برخاسته بود؛ بنابراین، بریتانیا به یافتن سرزمین‌های جدید و استیلای آنها نیاز مبرم داشت تا آینده‌ی سیاسی خود را در اراضی دوردست بتواند حفظ کند (Cain and Hopkins, 2016: 8).

فعالیت بل در خاورمیانه از آن‌جا حائز اهمیت است که در زمانی آشکارا به روابط پیچیده‌ی سیاسی، فرهنگی و علمی بین دنیای غرب و خاورمیانه در برهه‌ای از زمان دست می‌زند که به پایان دوره‌ی استعماری معروف بود و با آغاز جنگ جهانی اول شروع شده بود.

## ۲. پیشینه پژوهش

استفاده‌ی دولت بریتانیا از زنی همچون گرتروود بل برای به‌دست آوردن اعتماد قبایل عرب، اقدامی هوشمندانه بود. بل در خاورمیانه و در کشورهای عرب زبان به فعالیت‌های گسترده پرداخت. منفرد در مقاله خود به این نکته اشاره می‌کند که بل در کشورهای عربی فعالیت‌های سیاسی گسترده‌ای را انجام داد. او تا حد زیادی تحت تأثیر سیاست‌های انگلستان در کشورهای عربی مانند عراق، بحرین و ... بود (منفرد، ۱۳۹۳). بل از تجارت شخصی خود و روابط خود با گروه‌های بسیاری در شبه‌جزیره عربستان می‌نویسد؛ با این همه، هرچند برخی از نوشتارهای بل ستایشگر مردمان و خاک آن سرزمین‌هاست، برای نمونه سفرنامه‌ی تصاویر *ایران* (۱۸۹۴) که سیمایی مثبت از ایران را ترسیم می‌کند (حیدری، ۱۳۸۷: ۵۵۴)، اما در جای جای بندهای متون او، برتری فرهنگی اروپایی نسبت به مردمان غیراروپایی را می‌توان به روشنی مشاهده کرد. بدین ترتیب، بار دیگر دوگانه‌ی معروف در مطالعات پسااستعماری، یعنی «خودی» (Self) و «دیگری» (Alterity)، نمودار می‌شود. در میان سفرنامه‌هایش، سفرنامه *بیابان و کشتزار* (The Desert and the Sown) (۱۹۰۷) که ماجراهای بل را در فلسطین و سوریه ترسیم می‌کند، بسیار مهم است. این سفرنامه دربرگیرنده‌ی تمام جوانب دو کشور مذکور است، از فرهنگ و رسوم بومی گرفته تا امور مختص به قوم و حتی باستان‌شناختی نواحی آنجا. والاکی (Wallach, 1996: 134) در این خصوص می‌نویسد، پس از آنکه بل مقالاتی را درباره‌ی اعراب در اواخر قرن نوزدهم نگاشت، دولت بریتانیا او را در راستای اهداف سیاسی و امپریالیستی به خدمت گرفت. در سفرنامه‌ی مذکور، بل با هدف آنکه قبایل و شیوخ آنها را به متحدان احتمالی آینده‌ی بریتانیا تبدیل کند، به توصیف‌شان می‌پردازد. در واقع، به گفته‌ی ادوارد سعید در کتاب تأثیرگذار *شرق‌شناسی* (۱۹۷۸: ۲۲۹)، نوشتار *بیابان و کشتزار* بل نه تنها به امپراتوری رو به زوال بریتانیا خدمت شایان کرد، بلکه با بهره‌مندی از گفتمان شرق‌شناسانه، برتری فرهنگی غرب را بر مردمان سوریه و فلسطین دیکته کرد، و آنها را به یک انگاره یا شیئی برای مطالعه و بررسی دنیای غرب تبدیل کرد. بدین شکل، هویت این افراد در گرو تفسیر و نگاه غرب است. اشنل (Schnell, 2008: 34) نیز همچون سعید به گفتمان برتری فرهنگی و فرآیند «دیگری‌سازی» (Otherization) در سفرنامه‌ی مذکور اشاره می‌کند، و به‌طور کلی نوشتارهای بل را تمجیدکننده و ترویج‌دهنده‌ی ارتباط هژمونیک و

تحلیل انتقادی سفرنامه بیابان و کشتزار اثر گرتروود بل بر اساس نظریه‌ی شرق‌شناسی ...، مذهب ۳۰۱

ایدئولوژیک بریتانیا با خاورمیانه برمی‌شمارد. به سخن لومبا، زمانی که استعمارگر اروپایی، استعمار دیده را از هرگونه حقوقی نفی می‌کند و او را از لحاظ فرهنگی، زبانی، تاریخی و نژادی فرومایه می‌انگارد، در واقع فرآیند دیگری‌سازی صورت گرفته است (Loomba, 2005: 85). در پایان، نیما نقیبی که بیشتر سفرنامه‌ی *تساویر ایران* و ترجمه‌ی گزیده غزلیات حافظ بل به زبان انگلیسی را واکاوی می‌کند، پیرامون دیگر نوشتارهای او، همانند *بیابان و کشتزار*، می‌نویسد که نگاه شرق‌شناسانه‌ی بل همان نگاه شرق‌شناسی دیرین در قصه‌هایی مانند «هزار و یک شب» است (نقیبی، ۲۰۰۷: ۲۰)، یعنی، بیشتر با انگاره‌ها و نگرش‌های بر پایه‌ی تخیل و آنچه در شعرها و قصه‌ها مطرح شده است، سر و کار دارد تا واقعیت پیش‌روی.

گل احمر و همکاران در مقاله‌ای به بررسی انتقادی-شناختی استعماری‌سازی در دو سفرنامه مسیر طالبی و حیرت‌نامه پرداخته‌اند. در این پژوهش نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که نویسندگان اروپا را به‌عنوان بهشت یا سرزمینی آرمانی معرفی تعریف می‌کنند (گل احمر و همکاران، ۱۳۹۶). در پژوهش دیگری که توسط اسماعیلی و همکاران انجام شد نویسندگان اخلاق اجتماعی را با توجه به نگرش گردشگران در دو بعد مثبت و منفی با دید انتقادی مورد ارزیابی قرار دادند (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۶). ثواقب و همکاران در پژوهش خود به بررسی نگاه سیاحان غربی در دوره قاجاریه از مذاهب غرب ایران با نگاهی نقادانه پرداخته‌اند (ثواقب و همکاران، ۱۳۹۶).

بنابراین، با توجه به آنچه آمد مطالعه‌ی حاضر به بررسی و واکاوی سفرنامه‌ی *بیابان و کشتزار* گرتروود بل در پرتو نظریه‌ی شرق‌شناسی منتقد معروف پسااستعماری ادوارد سعید می‌پردازد، و بدین‌منظور گفتمان برتری غرب نسبت به مردمان خاورمیانه، سیاست‌های امپریالیستی و روند دیگری‌سازی هویت‌های غیراروپایی، یعنی اعراب، مشخص و تحلیل می‌شوند. پیش از کندوکاو سفرنامه‌ی پیش‌گفته، در بخش بعدی این مطالعه، مفهوم شرق‌شناسی ادوارد سعید که به نوعی آغازگر مطالعات پسااستعماری در اواخر دهی ۷۰ میلادی است، همراه با تاریخ‌باوری نوین، به شکل مختصر بحث می‌شوند.

### ۳. چارچوب نظری: ادوارد سعید، شرق‌شناسی و تاریخ‌باوری نوین

پیش از بررسی سفرنامه‌ی *بیابان و کشتزار* اثر گرتروود بل، ابتدا لازم است مفهوم شرق‌شناسی که ادوارد سعید در سال ۱۹۷۸ آن را مطرح کرد، بررسی شود. به گفته‌ی سعید، در همان

نخستین صفحات کتاب شرق‌شناسی، این مفهوم به شکل‌گیری بدنه‌ای از نظریه و روشی منتهی شد که به موجب آن دنیای غرب می‌تواند قدرت، سلطه و برتری خود را بر دیگری دیکته کند (ادوارد سعید، ۱۹۷۸: ۵). با توسعه‌ی استعماری اروپاییان در دیگر سرزمین‌ها از جمله مشرق‌زمین، دولت‌های استعماری سامانه‌ای را ایجاد کردند که بر اساس نظم اجتماعی، غرب می‌تواند برتری محسوسی نسبت به شرق داشته باشد (ادوارد سعید، ۱۹۷۸: ۷). آنگاه، این نظم اجتماعی برگرفته از مفاهیم و ارزش‌های غربی در سرزمین‌های شرقی، مردمان و فرهنگ‌های شرق را به یک موضوع یا شیئی برای مطالعه و شناخت تبدیل کرد (ادوارد سعید، ۱۹۷۸: ۸). بنابراین، سعید با الهام از بحث دانش/قدرت میشل فوکو (Michel Foucault) نتیجه می‌گیرد که این دانش به‌دست آمده از شرق، به منبعی برای غرب برای تسلط فرهنگی، سیاسی، علمی و اقتصادی بر شرق راه می‌گشاید (ادوارد سعید، ۱۹۷۸: ۱۰).

با رشد شرق‌شناسی در اروپای قرن هجدهم و سپس گسترش امپریالیستی این قاره در قرن نوزدهم، نفوذ شرق‌شناسان به دیگر علوم مانند هنرها و ادبیات مشهود است؛ بدینجهت، نظامی از نشانه‌ها و باورهای خیالی شکل گرفتند که شرق درون آنها تعریف و تعبیر می‌شود (ادوارد سعید، ۱۹۷۸: ۳). در این نظام بازنمایی، غربی‌ها بر تفاوت بین فرهنگ خود و فرهنگ شرق متمرکز می‌شوند، و فرهنگ خود را فراتر و برتر می‌دانند اما شرقی‌ها را با فرهنگی فرومایه و گاه زنانه‌انگار می‌پندارند (ادوارد سعید، ۱۹۷۸: ۷). با این فلسفه‌پردازی، اروپا به سلطه‌جویی‌ای مقتدرانه در زمینه‌های مختلفی از قبیل فرهنگی، زبانی، ادبی، علمی، سیاسی و اقتصادی، نسبت به شرق دست می‌یابد (ادوارد سعید، ۱۹۷۸: ۲۱). شرق‌شناسی، به اعتقاد سعید، غرب را در مرکز قرار می‌دهد و شرق را به حاشیه می‌راند. برای مثال، نماینده‌ی پارلمان بریتانیا و شرق‌شناس، توماس مکولی (Thomas Macaulay)، در جستار «یادداشتی در باب آموزش هندوستان» در سال ۱۸۳۵ با بهره‌گیری از همین گفتمان شرق-شناسی، نه تنها هندی‌ها را از هر منظر، فرهنگی، زبانی و ادبی، فرومایه می‌انگارد، بلکه این ایده را مطرح می‌کند که با گسترش و ترویج آموزش زبان و ادبیات انگلیسی در هندوستان می‌توان اهالی هند را به شناساهای استعماری (Colonial subjects) تبدیل کرد؛ یعنی، افرادی که به لحاظ قومی و نژادی هندی هستند، اما افکار و ذهنیت آنها به طور کامل انگلیسی است و از منافع و ارزش‌های انگلیسی پاسداری می‌کنند (Thomas Macaulay, 1835:12). بنابراین، مردمان شرق به دست دنیای غرب تعریف، ارزیابی و تعبیر می‌شوند و هویت آنها چیزی جز ساخته‌ی ایدئولوژیک گفتمان امپریالیستی اروپایی نیست. در این میان، می‌توان به سینمای هالیوود در دو دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ میلادی اشاره کرد که با استفاده از سنت شرق‌شناسی قرن

تحلیل انتقادی سفرنامه بیابان و کشتزار اثر گرتروود بل بر اساس نظریه‌ی شرق‌شناسی ...، مذهب ۳۰۳

هجدهم و نوزدهم، فیلم‌هایی تولید کرد که در آنها یک شرق خیالی آکنده از جادوگرها، وزیرها و غول‌ها به چشم می‌خورد. پس جای شگفتی نیست که شخصیت‌هایی مانند علی‌بابا و سندباد خلق شوند.

سعید بر این نکته تاکید می‌کند که حتی آن شرق‌شناسانی که مدعی می‌شوند می‌توانند صادقانه و بری از هرگونه تحریف و دستکاری شرق را بازتاب دهند، گرفتار تعصبات و نظام‌های اعتقادی و فکری فرهنگ غربی خود هستند؛ پس داشتن این ادعا، بی‌طرف و صادق بودن، کاملاً مردود است (ادوارد سعید، ۱۹۷۸: ۱۰). افزون بر این، سعید ادامه می‌دهد که بی‌توجه از نیت‌های به اصطلاح خوب آنها، اروپاییان همیشه با نگاه برتری و این آگاهی که نسبت به شرقی‌ها متمدن‌تر و توانمندتر هستند، با آن مردمان تعامل کرده‌اند (ادوارد سعید، ۱۹۷۸: ۱۲). به نظر سعید، غربی‌ها از قدرت بازنمایی و ابراز خود بهره می‌گیرند تا شرق را طبق امیال و افکار خود ترسیم کنند، حال آنکه شرقی‌ها که از چنین ویژگی محروم هستند، توانایی ابراز «صدای» خود را ندارند (ادوارد سعید، ۱۹۷۸: ۲۸). سعید نشان می‌دهد که هژمونی اروپایی دو قرن در خاورمیانه حاکم شده است، و همواره در پی نوسازی و ابراز دوباره‌ی خود در این ناحیه است تا هرگونه توان بازنمایی و صدای اعتراض را از مردمان مشرق‌زمین، به خصوص خاورمیانه، سلب کند (ادوارد سعید، ۱۹۷۸: ۲۹). بنابراین، جای شگفتی نیست که فردی همچون گرتروود بل با برقراری ارتباط و دوست شدن با قبایل عرب در خاورمیانه، نه تنها اعتماد آنها را جلب می‌کند تا آنها را به موردی برای مطالعه و شناخت تبدیل کند، بلکه با جمع‌آوری اطلاعات و دانش به دست آمده از آنها و سرزمین‌شان، دولت مرکزی بریتانیا می‌تواند سیاست‌های امپریالیستی و نفوذگرایانه‌ی خود را در این منطقه مشخص، تدوین و عملیاتی کند.

تاریخ‌باوری نوین را نخستین بار منتقد آمریکایی استفتن گرینبلت (Stephen Greenblatt) در کتاب خودیابی رنسانس (Renaissance Self-Fashioning) (۱۹۸۰) مطرح کرد. از مهم‌ترین ویژگی‌های این خوانش جدید در نقد ادبی، پیچیدگی و گستردگی چارچوب نظری آن است که به دیگر رشته‌ها از جمله مطالعات پسااستعماری، تاریخ‌نگاری، پسامدرنیسم و جامعه‌شناسی گره می‌خورد و برجستگی بینارشته‌ای و بینامتنی به تاریخ‌باوری نوین اعطاء می‌کند (بابازاده و خجسته‌پور ۱۳۹۲: ۱۴). در تاریخ‌باوری نوین، تاریخ به‌عنوان پیش‌زمینه و ادبیات پس‌زمینه قرار می‌گیرد. بدین ترتیب که منتقد تاریخ‌باور نوین، به دنبال یافتن ارتباط بین متن در بافت تاریخی‌اش است؛ هدف نهایی از این خوانش، آشکار شدن ایدئولوژی، ساختارها و روابط قدرت در متون ادبی با توجه به تاریخ گذشته است. به همین دلیل، منتقدان تاریخ‌باور

نویسنده به نوشتارهای میشل فوکو علاقه‌ی زیاد نشان می‌دهند، چون این متفکر فرانسوی به واکاوی نظریه‌های قدرت، گفتمان و تاریخ پرداخته است (پاینده، ۱۳۸۵: ۳۶). به بیانی دیگر، تاریخ و متن ادبی هر دو به دو گفتمان متفاوت اما جدانشدنی از یکدیگر تبدیل می‌شوند که منتقد تاریخ‌باور نوین آن دو را همسو با همدیگر بررسی می‌کند تا یک گفتمان واحد، همان معنا یا تفسیر، که هم متنیت دارد و هم تاریخت، شکل گیرد. یکی از پژوهش‌های ارزنده‌ای که در چند سال گذشته در رابطه‌ی تاریخ‌باوری نوین، کتاب فروغ صهبا است با نام *تاریخ بیهقی در بوته نقد جدید* (۱۳۹۰) انجام شده است. صهبا کتاب *تاریخ بیهقی* نوشته‌ی ابوالفضل بیهقی در قرن پنجم را با رویکرد تاریخ‌باوری مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. به سخن صهبا، *تاریخی بیهقی* هم یک متن تاریخی است و هم یک متن ادبی که برای خوانش تاریخ-باوری نوین، نوشتاری بسیار درخور است (صهبا، ۱۳۹۰: ۱۶۲). به نظر صهبا با خوانش تاریخ‌باوری نوین، تضادها و اختلافات متن بیهقی به خوبی آشکار می‌شود؛ یعنی می‌توان تأثیر ایدئولوژی دربار مسعود غزنوی را در این نوشتار تاریخی به خوبی مشاهده کرد. این‌رو، به‌کارگیری تاریخ‌باوری نوین برای بررسی متون تاریخی، همانند نوشتار *بیابان و کشتزار* اثر بل در این مطالعه، سودمند است زیرا ایدئولوژی و تضادهایی که به تشکیل گفتمان برتری اروپایی در برابر اعراب دامن می‌زنند، به روشنی تبیین می‌شوند. در بخش بعدی این مطالعه، کاربست مفهوم شرق‌شناسی سعید و خوانش تاریخ‌باوری نوین در راستای آشکاری و تحلیل چگونگی بازنمایی گرتروود بل از مردمان فلسطین و سوریه ارائه می‌شود.

## ۴. بحث و بررسی

### ۴-۱. ملکه‌ی صحرا، سفرنامه‌نگاری و گفتمان استعمارگری

هدفیلد در کتاب خود درباره‌ی ارتباط سفرنامه و گفتمان استعمارگری می‌نویسد که هرچند درست است که هدف از نوشتن درباره‌ی یک سرزمین و مردمان آنجا کسب دانش و ایجاد ارتباط با آن افراد است، ولی همین دانش از این توان بالا برخوردار است که گفتمان استعمارگری اروپایی را تغذیه کند (Hadfield, 2007:1). کسب دانش از طریق سفرنامه‌نویسی، یکی از نخستین روش‌هایی بود که گفتمان استعماری اروپا از قرن شانزدهم به این سو از آن بهره جست. در این ارتباط، گرینبلت بحث می‌کند که یکی از نخستین سفرنامه‌های استعماری از آن توماس هریوت (Thomas Harriot)، دانشمند و مخترع انگلیسی است که سفرنامه‌ای



تحلیل انتقادی سفرنامه بیابان و کشتزار اثر گرترو بل بر اساس نظریه‌ی شرق‌شناسی ...، مذهب ۳۰۵

پیرامون تجارت و مشاهداتش در ناحیه‌ی ویرجینیای دنیای نو، عنوان آمریکا در قرن شانزدهم، نگاشته و از بومیان آن سرزمین و رسوم آنها نوشته است. طی سه دهه‌ی بعد، یعنی بین سال‌های ۱۶۱۰ و ۱۶۲۰، انگلستان توانست ویرجینیا را به اولین مستعمره‌ی خود تبدیل کند (گرینبلت، ۱۹۸۸: ۲۱). دیگر نمونه‌ی سفرنامه‌ی استعماری نوشتار ماری کینگزلی به نام *سفر به آفریقای غربی* است (MaryKingsley, 1993). او با طرح دوستی و همکاری با قبایل آفریقایی موفق شد اطلاعات بسیاری را در خدمت سامانه‌ی استعماری بریتانیا قرار دهد و با استفاده از گفتمان نژادپرستی و تبعیض‌آمیز، همانند کاربرد بسیار از واژگان نظیر تاریکی، ترسناک، شب‌های اهریمنی محیط آفریقا در کنار توصیفات ناخوشایند بومیان، مردمان غرب آفریقا را آگاهانه و هدفمند فرومایه انگاشته و بار دیگر فرآیند دیگری‌سازی اروپایی را تکرار نماید (کینگزلی، ۱۹۹۳: ۳۳).

با توجه به این بافت و پیش‌زمینه، گرترو بل شرق‌شناس به سرزمین‌های شرق قدم گذاشت؛ ابتدا به ایران و سپس به دیگر کشورهای عربی رفت. اگرچه او خود را همواره دوستدار شرق و مردمان خاورمیانه معرفی می‌کرد، همانند علاقه‌ی بسیار او به فرهنگ ایران زمین و اشعار حافظ یا تمجید برخی از قبایل عرب، اما در کل همان روند دیگری‌سازی را در مواجهه با اعراب، یعنی غیراروپاییان، پیش گرفت. به گفته‌ی سعید، بل با بهره‌مندی از سنت شرق‌شناسی اروپایی بر آن شد تا نه تنها به انجام ماموریت سیاسی در خاورمیانه بپردازد، بلکه با ایجاد اتحاد بین قبایل و پیشبرد طرح کشورسازی در خاورمیانه، به دو هدف مهم و همزمان دست یابد: تضعیف بیشتر امپراتوری عثمانی و ایجاد متحدان جدید برای بریتانیا. در حقیقت، این متحدان به همان شناساهای استعماری توماس مکولی در هندوستان شبیه هستند؛ یعنی افرادی که از منافع و ارزش‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بریتانیا در مناطق دوردست محافظت می‌کنند. با توجه به پیچیدگی نوشتارهای بل، بیشتر از منظر نگرش او به شرق که گاهی تند و تبعیض‌آمیز است و گاهی ستایش‌آمیز، می‌توان نتیجه گرفت که هم آگاهانه و هم ناخودآگاه سفرنامه‌های او، به خصوص *بیابان و کشتزار*، به گفتمان شرق‌شناسی که بخشی از گفتمان بزرگ‌تر استعمارگری است، توان بخشیده است. در واقع، روش بل نیز بسیار شبیه رویکرد رمان‌نویس لهستانی-بریتانیایی جوزف کنراد (Joseph Conrad) است که در رمان کوتاه *دل تاریکی* (۱۸۹۹)، زمانی که از تاریکی آفریقا و بومیان آنجا می‌نویسد، هیچ صدا و دیالوگی را برای آفریقاییان در نظر نمی‌گیرد، و تنها راوی سفیدپوست رمان، مارلو، است که وقایع و امور را توصیف می‌کند؛ یعنی، با قدرت‌نمایی، بازنمایی و نشانه‌شناسی اروپایی در قبال ناتوانی ابراز و بازنمایی غیراروپایی مواجه هستیم.

بل در *بیابان و کشتزار* تقریباً هیچ صدایی برای مردمان سوریه و فلسطین قائل نمی‌شود. چنانچه از دیدگاه منتقد پسااستعماری گایاتری اسپیوک (Gayatary Spivak) اگر از منظر فرودستان استعماری به این قضیه نگاه کنیم، به سادگی می‌توان اثبات نمود که هویت‌های در حاشیه و فرومایه همواره خاموش هستند، چون برتری اروپایی سبب شده است آنها از قدرت بازنمایی بهره نبرند؛ پس، برای ابراز خود، غیراروپاییان نیازمند صدای اروپاییان هستند (Morton, 2003:7). بل، همچون یک سفیدپوست اروپایی، بر اساس ذهنیت خود سخن می‌گوید؛ او مردمان، رسوم و مکان‌ها را بر مبنای پیش‌زمینه و افکارش بازنمایی می‌کند؛ از جمله، اشاره‌ی او به نبود امنیت در سرزمین‌های اعراب و وجود خرافات: «مکان‌های خاصی هستند که هیچ عربی شهامت رفتن به آنجا پس از تاریکی هوا را ندارد؛ مانند چاه‌های شبح‌زده که مردان تشنه از آنها پرهیز می‌کنند، خرابه‌هایی که در ماندگان و افراد خسته شهامت پناه بردن به آنها را در خود نمی‌بینند، و گودال‌هایی که حتی یک فرد تنها نیز مناسب سپری یک شب نمی‌داند» (بل، ۱۹۱۹: ۳۶).

زنانگی بل نیز در پیشبرد اهداف او بسیار موثر واقع می‌شد. حضورش به‌عنوان یک زن در میان قبایل عرب که از نظام پدرسالاری برخوردارند، جایگاه خاصی به او اعطاء کرده بود؛ به همین دلیل، او نه تنها مشاور سیاسی دولت بریتانیا در امور خاورمیانه بود، بلکه به فیصل اول، شاه عراق، نیز مشاوره می‌داد. فعالیت سیاسی او در خاورمیانه بین سال‌های ۱۹۱۴ و ۱۹۲۶ از مصر تا عراق بود. به دلیل شناختی که از خاورمیانه و مردمان آنجا پیدا کرده بود، سازمان اطلاعاتی بریتانیا در سال ۱۹۱۴، به مدیریت دیوید هوگارت (David Hogarth)، به او مأموریت دیپلماتیک و گردآوری اطلاعات محول کرد؛ چون وی حتی از لورنس عربستان هم بهتر منطقه را می‌شناخت و توانایی نویسندگی او، در کنار تکلم روان به فارسی و عربی، مزیتی بزرگ برای او محسوب می‌شدند (Wallach, 1996:145). در واقع، به همان سخن سعید برمی‌گردیم که بی‌طرفی و بازنمایی صادقانه یک شرق‌شناس را به جهت پیش‌زمینه‌های فکری و اعتقادی که او دارد، مردود می‌داند. بل همچون یک دانشگاهی است که از طریق برتری فرهنگی بر «دیگری» موفق شد نوع استمارش را محقق کند.

سعید در کتاب *شرق‌شناسی*، از بل به دلیل تفکر امپریالیستی و از کتاب *بیابان و کشتزار* را به جهت دیگری‌سازی اعراب و ترسیم‌نمایی تبعیض‌آمیز خرده می‌گیرد (ادوارد سعید، ۱۹۷۸: ۲۴۶). در اوایل قرن بیستم، بریتانیا که به تدریج با فرآیند استعمارزدایی مواجه شده بود، رویکردهای امپریالیستی خود را تغییر داد: از استعمار مستقیم به روش غیرمستقیم؛ یعنی امپریالیسم فرهنگی و وابستگی سیاسی روی آورد. بدین منظور، افرادی نظیر بل و لورنس

تحلیل انتقادی سفرنامه بیابان و کشتزار اثر گرتروید بل بر اساس نظریه‌ی شرق‌شناسی ...، مذهب ۳۰۷

گزینه‌های مناسبی بودند تا کشورهای مستقلی را به وجود آورند که از همه نظر به بریتانیا وابستگی داشته باشند. در واقع، طبق نظر سعید، بل در پی مستعمره‌سازی سرزمین‌های عرب نبود، اما به دنبال ایجاد نوعی وابستگی به امپراتوری بود که سلطه‌ی غیرمستقیم، یعنی امپریالیستی و نه استعمارگری، بریتانیایی را در خاورمیانه تضمین کند (ادوارد سعید، ۱۹۷۸: ۲۳۸).

زاویه‌ی دید (Point of view) بیابان و کشتزار، سوم شخص است؛ بیشتر افعالی که بل در متن نوشتارش استفاده کرده است، زمان حال است. در بریتانیا، سفرنامه‌ی او با استقبال بسیار خوبی مواجه شد و نقدهای مثبتی را از سوی منتقدان بریتانیایی کسب کرد. بل دقت زیادی در روایت و توصیف کردن صرف می‌کند، و جزئیات بسیاری را شرح می‌دهد؛ نگاه او همچون یک عکاس است و هرچیز را به همان شکلی که هست روایت می‌کند. هرچند، بل روایت دقیق ارائه می‌دهد و تلاش می‌کند اشیا و امور را به طور کامل و صحیح بازتاب دهد، اما دیدگاه‌ها یا تفاسیرش از آنها همان تعصب شرق‌شناختی را نشان می‌دهد. مثلاً، وی در توصیف جاده‌ای در کشور اردن که از کنار دره‌ای می‌گذشت، آن را با صفاتی مانند «غیرانسانی و به وضوح اهریمنی» وصف می‌کند و آن را به هشدارهای پیامبران در عهد عتیق مبنی بر فعالیت نیروهای اهریمنی در مکان‌های بسیار، همچون این جاده ربط می‌دهد (بل، ۱۹۱۹: ۱۱). افزون بر این، بل بارها در سفرنامه‌ی خود از لحنی مقتدرانه و برتری‌جویانه نسبت به توصیف و بازنمایی اعراب استفاده می‌کند:

چند هزار سال است که این وضعیت اشیا دوام آورده است... اما در تمام این قرون، آنچه مشهود است این است که اعراب هیچ حکمت و خردی از تجربیات پیشین به دست نیاورده‌اند. آنها هرگز در امنیت نیستند، اما به گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویی امنیت تنها به معنای تامین نان روزانه‌ی آنها است. (Bell, 1919: 66)

آنچه از این بیان به روشنی دریافت می‌شود، این است که اعراب از توانایی کسب تجربه بی‌بهره هستند، و نیز به طور ضمنی این‌گونه برداشت می‌شود که این غربی‌ها، به خصوص بریتانیایی‌ها، هستند که حافظان امنیت و آسایش هستند چون از درس‌های پیشین همواره عبرت گرفته‌اند و آموخته‌اند.

در قسمتی دیگر از سفرنامه، بل گروهی از سوارکاران را که به قبیله‌ای نزدیک می‌شدند با عباراتی مانند «نزدیکی گروهی از شرورها» توصیف می‌کند که در پی اقدامی پلید هستند (بل، ۱۹۱۹: ۶۵). در ظاهر واژگان او در وصف مردی اهل سوریه به نام ابن حسن و خانواده‌اش، ترحم‌انگیز و مددجویانه است؛ اما زاویه‌ی دید بل که سفیدپوستی اروپایی است،

بازنمایی منفی و کوچک‌انگاری را به همراه دارد: «غم و اندوه در چادرهای فرزندان ابن حسن موج می‌زند. مردی را دیدیم که کنار دیرک چادر می‌گریست، سرش را در دست‌ان‌اش گرفته بود» (بل، ۱۹۱۹: ۶۵). با نگاهی به متن نامه‌ای از بل به والدینش در بریتانیا که در نوشتار سعید آمده است، می‌توان وجود ارتباط سلطه‌جویانه‌ی بریتانیا با خاورمیانه را به روشنی مشاهده کرد: «ما بریتانیایی‌ها در طول پنج سال گذشته توانسته‌ایم در صدر جهان قرار گیریم. به عقیده‌ی من دلیل آن، موفقیت دولت ما در مصر است... که تا حد زیادی توانسته است روسیه را به عقب براند و سیاست قدرتمند لرد کرزون (Lord Curzon) در خلیج فارس و در هندوستان در این کامیابی بسیار مشهود بوده است» (Said, 1978: 229). از آنجایی که یکی از تاکید‌های تاریخ‌باوری نوین، همسو کردن متون غیرادبی و ادبی در بافت تاریخی است، زمانی که این نامه را کنار توصیف سوارکاران و اقامت‌گاه ابن حسن در سفرنامه‌ی بل قرار می‌دهیم، با تقابل دوگانه‌ی معروف خود/دیگری مواجه می‌شویم. وقتی بل درباره‌ی دولت بریتانیا می‌نویسد، لحن او حاکی از ستایش و تمجید از اقدامات کشورش است، همانند سبقت گرفتن از روسیه در امور خاورمیانه. اما در مقابل، سیمایی که او از چادر ابن حسن و دیگران ترسیم می‌کند، با تیره‌روزی، اندوه و ستمگری مردان عرب همراه است. برای نمونه، بل از سختگیری و ظلم ابن حسن نسبت به خانواده خود می‌نویسد: «حسن یک ارباب بسیار سختگیر است و نه تنها همسرش، بلکه مادرش یا هر زن دیگر در خانه‌ی او، حق بیرون آمدن از خانه برای رفتن به قبرستان یا حتی قدم زدن در بیشه را ندارد؛ آنها حتی اجازه ندارند پشت پنجره بایستند و دزدکی بیرون را نگاه کنند» (بل، ۱۹۱۹: ۱۸۵).

در واقع، بل در سفرنامه‌ی *بیابان و کشتزار* بسیار می‌کوشد تا به درک و شناختی از افراد دست پیدا کند. این بدین معنی است که وی سوری‌ها و فلسطینی‌ها را به موضوع شناخت، مطالعه و ارزیابی خود تبدیل کرده است. همچنین، در سفر خود به دمشق، بل از اینکه انگلیسی است ابراز خرسندی می‌کند و آن را دلیل پذیرش در میان اهالی دمشق برمی‌شمارد: «به این امر معتقدم که انگلیسی بودن، بزرگ‌ترین امتیاز من است» (بل، ۱۹۱۹: ۲۰۴). به بیانی دیگر، هویت انگلیسی او، یعنی برتری اروپایی، سبب شده است تا مردم دمشق او را صمیمانه بپذیرند، شاید اگر هویتی غیراروپایی داشت قضیه متفاوت می‌بود. در جای‌جای سفرنامه، اظهارات کلی حاوی قضاوت‌های تند و شتابزده و کنایه‌های تبعیض نژادی مشاهده می‌شود. برای نمونه، وقتی بل از افراد زیادی درباره‌ی خلق و خوی مردی به نام ابن رشید که به عثمانی‌ها وابسته است، پرس‌وجو می‌کند، و مردم او را فردی «گستاخ» و «مجنون» توصیف می‌کنند، بل اشاره می‌کند که از سخنان آنها چنین استنباط کرده است که ابن رشید «مردی

تحلیل انتقادی سفرنامه بیابان و کشتزار اثر گرتود بل بر اساس نظریه‌ی شرق‌شناسی ...، مذهب ۳۰۹

بی‌توجه و تندخو با هوش و درک بسیار پایین است» (بل، ۱۹۱۹: ۴۸). این امر، یعنی قضاوت نادرست و کوچک‌شماری، یکی از ویژگی‌های مهم دوگانه‌ی استعمارگر/ استعمارشده است که همواره استعمارگران افرادی منطقی، خردورز و دانا هستند، اما استعماردیدگان، به خصوص شرقی‌ها و آفریقایی‌ها، به افرادی تندمزاج، دمدمی و سنگدل معرفی می‌شوند (Matikkala, 2011: 3).

وجود تضاد در سخنان بل، یکی از دشواری‌های درک سفرنامه‌ی اوست. از یک سو، او در مقدمه‌ی کتاب اعلام می‌کند که اعراب شایستگی رهبری و اداره‌ی خود را دارند، اما از سویی دیگر، او آنها را فاقد توانایی استفاده از تجارب پیشین و تغییرناپذیری می‌داند: «انسان شرقی مانند یک کودک بالغ است. او با بسیاری از شاخه‌های علم بیگانه است... مطابق تعبیر ما، او از اینکه فردی عملگرا و اهل کار باشد، به دور است» (بل، ۱۹۱۹: ۴)؛ مسئله‌ای که در نقل‌قول بالا پیش‌تر نمودار شد. همچنین، او در جایی دیگر از مقدمه از اینکه مجبور است «شرایط سیاسی واقعی افراد بی‌اهمیت» را شرح دهد، بسیار رنج می‌کشد (بل، ۱۹۱۹: ۶)؛ بنابراین، بار دیگر با فرومایه‌انگاری مسلمانان در متن او مواجه می‌شویم. در حقیقت، بل به خوبی از مفهوم گفتمان، که به اعتقاد فوکو از مجموعه‌ای از عقاید و دیدگاه‌ها نسبت به موضوع خاصی تشکیل شده است و شیوه‌ی به دست آوردن دانش از آن محسوب می‌شود (بل، ۱۹۱۹: ۸۰)، آگاه هست. به اعتقاد بل برای او که می‌تواند دیگران را بازنمایی کند، پرداختن به «افراد بی‌اهمیت» کاری آزاردهنده است که «سایرین درباره‌ی روابطشان با آنها من را مطلع می‌کنند» (بل، ۱۹۱۹: ۶). در واقع، بار دیگر با بحث اسپووک (Spivak) روبه‌رو هستیم که اعلام می‌کند، فرومایگان دیگری (Subalterns) قادر به ابراز خود نخواهند بود زیرا استعمارگران، آنها را از قدرت بازنمایی و ابراز محروم ساخته‌اند (مورتون، ۲۰۰۳: ۸۰).

به احتمال قوی یکی از دلایل وجود جملات متضاد و دوگانه بسیار در سفرنامه به نوع تصور بل از شرق بازگردد. هر زمان که او عربی را خوب توصیف می‌کند و صفات ارزنده‌اش را می‌گوید، در جای دیگر فردی دیگر را منفی و کوچک ترسیم می‌کند. در واقع، نوشتارهای بل تضاد فکری او در این رابطه را نشان می‌دهد: تقابل گفتمان رایج شرق‌شناسی قرن نوزدهم و گفتمان جدید شرق‌شناسی در قرن بیستم. اما باید به این نکته اشاره کرد که تغییر چهره‌ی شرق‌شناسی در قرن بیستم چندان با گذشته‌اش متفاوت نیست. اگر در گذشته به شرق به‌مثابه دنیایی خالی و متفاوت می‌نگریستند، در گفتمان جدید آن را با صفاتی نظیر نامتمدن، توسعه‌نیافته و ناتوان در همه امور همانند می‌کنند (Macfie, 2003: 184). به همین دلیل، اقدامات استعماری بریتانیا و فرانسه در خاورمیانه بین سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۶۴ به شدت

افزایش می‌یابند و با کشف نفت در این ناحیه، دیگر قدرت‌های غربی مانند ایالات متحده نیز وارد عرصه می‌شود. برای نمونه، بل در جایی از نوشتارش شرح می‌دهد که پس از آنکه بقایای باستانی واقع در جبل‌الازویه را بازدید می‌کند، دچار شگفتی می‌شود که این مکان، طبق آنچه اروپاییان پیش‌تر باور داشتند، از ویژگی‌هایی مانند تسخیرناپذیری و شکوهمندی برخوردار نیست: «همان‌گونه که با اسب از سرازیری پایین می‌رفتم، با خود می‌اندیشیدم که آیا آنجا به راستی یک تمدن بود، همان‌سان که در اروپا پیش‌تر چنین بارو داشتیم که مکانی با قدرت تسخیرناپذیر است [...]» (بل، ۱۹۱۹: ۲۵۵).

معرفی فلسطین نیز در سفرنامه شایان توجه است. بل به مردگان در شهر غبطه می‌خورد، چون آنان در مکانی به خاک سپرده می‌شوند که «سرزمین موعود (The Promised Land)» یهودیان است (بل، ۱۹۱۹: ۸). همچنین، در ادامه او چندین بار عبارت «سرزمین موعود» را تکرار می‌کند و هویت کشور فلسطین را به نوعی با سرزمین وعده شده به یهودیان گره می‌زند: «به دشت شرقی خیره می‌شوم و سرزمین موعود را می‌بینم که همچنان به آنجا قدم نگذاشته‌ام» (بل، ۱۹۱۹: ۱۰۷). با این حساب، می‌توان گفت که بل و سیاست‌های امپریالیستی دولت بریتانیا، چند دهه پیش از اشغال فلسطین به دست نیروهای غاصب اسرائیل، زمینه را برای تسخیر و استیلای فلسطینی‌ها مهیا کردند. در ادامه، همچنین، او به مساجد و کلیساهای خالی در بیروت و بیت‌المقدس اشاره می‌کند که با توقع او مبنی بر متدین بودن مردمان این منطقه ناسازگار است و «فقر گسترده و بدبختی» در سرتاسر سرزمین را دلیل بی‌اعتقادی و دور شدن مردمان فلسطین و لبنان از دین می‌داند (بل، ۱۹۱۹: ۹۹).

بیشتر صفحات سفرنامه‌ی *بیابان و کشتزار* آکنده از شروح و توصیفات روزمره و اغلب پر از جزئیات زندگی مردم است. سفرنامه، سیمای دقیقی از زندگی و امورات اعراب فلسطین و سوریه به تصویر می‌کشد، اما، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، دیدگاه برتری بل و گردآوری اطلاعات او در جهت تامین اهداف امپریالیستی بریتانیا در میان این جزئیات و بحث‌های عادی گنجانیده شده است. به‌عنوان نمونه، در دمشق او از مردان زیادی پیرامون سیاست و افکار سیاسی آنها سوال می‌پرسد تا درکی از تفکرها و گرایش‌های سیاسی منطقه را به‌دست آورد: «جریان سیاست آسیایی» (بل، ۱۹۱۹: ۲۲۸). در واقع، بل ارائه‌کننده‌ی جغرافیای سیاسی نیز هست: او با دقت بسیار به موقعیت قبایل، روستاها و مکان‌های تاریخی اشاره می‌کند و سیمایه‌های آنها را به‌طور کامل شرح می‌دهد و بررسی می‌کند. در کلامی دیگر، او نقشه‌ای از منطقه را با ویژگی مردمان‌اش تهیه می‌کند و در اختیار خوانندگان اروپایی و دولت بریتانیا قرار می‌دهد: «در شعاع یک یا دو مایل، چندین چادر دیده می‌شود. اعرابی که ساکن هستند،

تحلیل انتقادی سفرنامه بیابان و کشتزار اثر گرتروود بل بر اساس نظریه‌ی شرق‌شناسی ...، مذهب ۳۱۱

عادت‌های پیشین عشایری خود را دارند. هر روستا در این ناحیه، متحدان و دشمنان خود را داراست، و روابط سیاسی در همین بیابان تعریف می‌شود» (بل، ۱۹۱۹: ۲۶۰). افزون بر این، بل حتی از نظر زمانی مسافت بین روستاها و شهرها را هم معلوم می‌کند، و بنابراین، از اطلس‌های جهان یا نقشه‌های منطقه‌ای بسیار دقیق‌تر و با جزئیات بیشتر پیشی می‌گیرد.

در بیشتر بندهای سفرنامه، دیالوگ‌های او با مردان است و با زنان ارتباط ناچیزی دارد، زیرا در جهت کسب اطلاعات، فعالیت مردان در خارج از محیط خانه بسیار دلخواه است و از آنجایی که زنان بیشتر در منازل حضور دارند، پس فاقد اطلاعات درباره‌ی موضوعاتی هستند که بل خواستار آنهاست. از یک‌سو، به منظور کسب اطلاعات، بسیار با مردان عرب ارتباط برقرار می‌کند و در این‌باره آنها را با دانش خوب تلقی می‌کند، اما از سوی دیگر می‌نویسد: «شرقی‌ها همچون کودکان بالغ می‌مانند. آنها با شاخه‌های متعدد دانش که بسیار ضروری و اساسی قلمداد می‌شوند، بیگانه هستند؛ بسیار نادر و در موارد اندک، اتفاق می‌افتد که نیاز به یادگیری آنها را حس می‌کنند» (بل، ۱۹۱۹: ۴). طبق نظر بل، او «دیگری» را بری از هرگونه استعداد و توان یادگیری علوم می‌پندارد. همچنین، او یک عرب را چنین توصیف می‌کند: «او هرگز خودش را با آنچه ما به آن عملگرایی می‌گوییم، درگیر نمی‌کند. او اصلاً عملگرا نیست؛ در این رابطه، بیشتر شبیه یک کودک رفتار می‌کند» (بل، ۱۹۱۹: ۵). با توجه به این سخن، خرده‌ی گراهام-براون از بل روشن است؛ گراهام-براون معتقد است که بل، آزادی اروپایی خود را به رخ شرقی‌ها می‌کشد؛ هر زمان که بخواهد، او می‌تواند سرزمین‌ها را ترک کند و به جای دیگری برود؛ از همه مهم‌تر، قضاوت‌های نادرست و کلی‌گویی او از فرهنگ اعراب، به خصوص از فلسطینی‌ها، او را به یک مامور امپراتوری بریتانیا تبدیل می‌کند (بل، ۱۹۱۹: ۱۵). گفتمان به‌کارگرفته‌ی بل در متن سفرنامه، گفتمانی از نوع ارتباط نابرابر و ناهمسان بین غرب و شرق است که عملگرایی غرب در برابر منفعلی شرق قرار می‌گیرد.

کوتاه‌سخن آن که، سفرنامه‌ی بیابان و کشتزار گرتروود بل، از دو درونمایه‌ی هم‌زمان تشکیل شده است: لحنی نوستالژیک نسبت به گذشته‌ی اعراب و شکوه آنها در زمان صدر اسلام، و مضمونی از فقر و زندگی فعلی آن مردمان در بیابان‌ها و دشت‌هایی که حاوی خرابه‌های تاریخ گذشته‌ی آنها هستند. در سرتاسر متن، او تلاش می‌کند تصویری دقیق و واقع‌گرایانه از فلسطین و سوریه ترسیم کند، اما قضاوت‌ها و تعصبات، کلی‌گویی و استفاده از کلمات تبعیض‌آمیز در توصیفات، او را به یک شرق‌شناس مغرض و تبعیض‌گر، که در پی اثبات برتری فرهنگی اروپایی بر فرهنگ دیگری است، تبدیل می‌کند. وجود تضادهای بی-

شمار در متن سفرنامه نشانگر تقابل فکری بل است: با واقعیتی مواجه است که تفکر شرق-شناسی اروپایی آن را به چالش کشیده است. هرچند او سعی می‌کند نوعی همانندی و برابری را بین عرب و بریتانیایی جستجو کند، اما هویت انگلیسی او که با امپریالیسم و سیاست‌های مداخله‌جویانه گره خورده است، مانع این کنکاش می‌شود.

### ۵. نتیجه‌گیری

سفرنامه‌نگاری به‌عنوان یک گونه‌ی ادبی، دربرگیرنده‌ی مطالب ارزشمند درباره‌ی تاریخ، فرهنگ و رسوم مردمان مناطق مختلف است. با این همه، سفرنامه‌نویسان غربی بسیاری بوده‌اند که متون خود را در اختیار سیاست‌های استعماری، امپریالیستی یا نژادپرستانه‌ی اروپایی قرار داده‌اند. یکی از این افراد، سفرنامه‌نویس و جهانگرد انگلیسی گرتروود بل است که سفرنامه‌ی *بیابان و کشتزار* را پیرامون سفرش به فلسطین و سوریه نگاشت. این سفرنامه، آکنده از تضادها است. اگرچه او با روایتی واقع‌گرایانه تلاش می‌کند مشاهدات خود و زندگی مردمان را طبق آنچه هست، بازتاب دهد، اما دیدگاه‌های متعصبانه و مغرضانه‌اش درباره‌ی مکان‌ها، فرهنگ‌ها و رسوم اعراب، مانند کلی‌گویی‌های یک‌جانبه و عبارات نژادپرستانه، نه تنها نمایانگر دوگانگی استعمارگر متمدن غربی و استعمارزده‌ی بدوی شرقی است، بلکه شرقی‌ها را درون فرآیند دیگری‌سازی سوق می‌دهد و نوعی گفتمان سلطه را پدید می‌آورد. با بهره‌گیری و برقراری ارتباط بین مفهوم شرق‌شناسی ادوارد سعید و سفرنامه‌ی پیش‌گفته، مشاهده شد که سخن سعید پیرامون بی‌طرف نبودن و صادق نبودن شرق‌شناس در مواجهه با فرهنگ و اهالی شرق، به‌خصوص منطقه‌ی خاورمیانه، درباره‌ی گرتروود بل نیز صدق می‌کند. آنچه بل را فراتر از یک شرق‌شناس نشان می‌دهد، فعالیت‌های سیاسی او در نیمه‌ی شمالی خاورمیانه است که در کنار لورنس عربستان در نیمه‌ی جنوبی، طرح کشورسازی عربی را از طریق تحریک اعراب به شورش علیه امپراتوری عثمانی و در نهایت زیر سلطه‌ی بریتانیا بردن این ملت‌های نوپا به پیش می‌برد. امید است در آینده، پژوهش‌های بیشتری در زمینه‌ی سفرنامه‌های مربوط به شرق، صورت پذیرد؛ به‌ویژه، خوانش‌های شرق‌شناسانه و مخالف از سفرنامه‌ی *تساویر/ایران* بل صورت گیرد.

در پایان پیشنهاد می‌شود محققان دیگر در آینده در زمینه مقایسه سفرنامه‌های نوشته شده توسط دیگر نویسندگان غربی با این سفرنامه تحقیقات دیگری انجام دهند تا بتوان با توجه به مقایسه این سفرنامه‌ها بتوان به نتیجه‌گیری بهتری در زمینه نگاه و دیدگاه نویسندگان غربی نسبت به سلطه غرب به کشورهای شرق بهتر بتوان نتیجه‌گیری کرد.



تحلیل انتقادی سفرنامه بیابان و کشتزار اثر گرترو بل بر اساس نظریه‌ی شرق‌شناسی ...، مذهب ۳۱۳

## کتاب‌نامه

- اسماعیلی مهرا، حمید و همکاران (۱۳۹۶). بررسی اخلاق اجتماعی ایرانیان در سفرنامه های اروپایی (سفرنامه های دوره صفویه و قاجار). *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی* ۸(۲۹)، ۷۱-۹۲.
- بابازاده، بهنام و خجسته پور، آدینه (۱۳۹۲). «ابهام‌زدایی از نقد نوپای تاریخ‌گرایی نو در ایران با نگاهی به پژوهش‌های انجام‌شده». *فصلنامه نقد ادبی* ۶(۲۲)، ۷-۲۸.
- پاینده، حسین (۱۳۸۵). *نقد ادبی و دموکراسی*. تهران: نیلوفر.
- ثواقب، جهانبخش و همکاران (۱۳۹۶). ملاحظاتی انتقادی درباب نگرش سیاحان خارجی دوره قاجار به آیین یارسان. *پژوهش‌های ایران‌شناسی* ۷(۲)، ۱۵-۳۲.
- حیدری، آزاده (۱۳۸۷). «یادی از گرترو بل، بانوی سیاح انگلیسی و سفرنامه او»، *پیام بهارستان*، د: ۱، ش: ۲۱.
- صهبا، فروغ (۱۳۹۰). *تاریخ بی‌هقی در بوته نقد جدید: نگاهی به تاریخ بی‌هقی بر مبنای نظریه تاریخ-گرایی نوین*. قم: فارس الحجاز.
- گل احمر، احسان و همکاران (۱۳۹۶). بررسی انتقادی-شناختی استعاری سازی «دیگری» در سفرنامه های مسیر طالبی و حیرت نامه. *متن‌شناسی ادب فارسی* ۵۳(۳)، ۱-۱۶.
- منفرد، افسان (۱۳۹۳). *دانشنامه جهان اسلام*، جلد ۳، بل گرترو بل مارگریت لوسین.

Ashcroft, Bill et al. (2007). *Post-Colonial Studies: The Key Concepts*, London: Routledge.

Cain, P. & Hopkins, A. (2016). *British Imperialism: 1688–2015*, London: Routledge.

Emberley, Julia (2007). "Gertrude Lowthian Bell in Mesopotamia," in *Writing, Travel, and Empire*, Peter Hulme and Russell Mcdougall (eds.), New York: I.B. Tauris.

Fieldhouse, David (2006). *Western Imperialism in The Middle East 1914–1958*, Oxford: Oxford University Press.

Foucault, Michel (1972). *The Archaeology of Knowledge*, trans. Sheridan Smith, London: Tavistock.

- Gertrude, Bell (1919). *The Desert and the Sown*, London: William Heinemann.
- Goodman, Susan (1985). *Gertrude Bell*, Oxford: Berg.
- Greenblatt, Stephen (1988). *Shakespearean Negotiations: The Circulation of Social Energy in Renaissance England*, Berkeley: University of California Press.
- Hadfield, Michael (2007). *Literature, Travel and Colonial Writing in the English Renaissance*, Oxford: Oxford University Press.
- Kingsley, Mary (1993). *Travels in West Africa*, London: Everyman/J.M. Dent.
- Loomba, Ania (2005). *Colonialism/Postcolonialism*, London: Routledge.
- Lukitz, Liora (2006). *A Quest in the Middle East: Gertrude Bell and the Making of Modern Iraq*, New York: I.B. Tauris.
- Macaulay, T. B. (1835). Macaulay's minute on education.
- Macfie, Alexander (2003). *Orientalism*, London: Pearson.
- Matikala, Mira (2011). *Empire and Imperial Ambition*, New York: I.B. Tauris.
- Morton, Stephen (2003). *Spivak*, London: Routledge.
- Naghibi, Nima (2007). *Rethinking Global Sisterhood: Western Feminism and Iran*, St. Paul: University of Sawyer Minnesota Press.
- Said, Edward (1978). *Orientalism*, London: Penguin Books.
- Schnell, Andrea (2008). *Gertrude Bell: An Orientalist in Context*, Quebec: McGill University.
- Wallach, Janet (1996). *Desert Queen: The Extraordinary Life of Gertrude Bell*. New York: Doubleday.